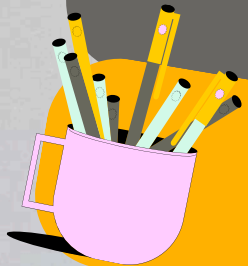


نوشته‌هایی

از

نسل نوین



ویسپوبیش، سال ۲، شماره ۱۰



فردا



تِلْمَا شَفِيعِ زَادِه

«فردا» همیشه یه کلمه‌ی عجیبه! نه کاملاً معلومه، نه کاملاً دور. از بچگی باهامون بوده، وقتی می‌گفتن ...



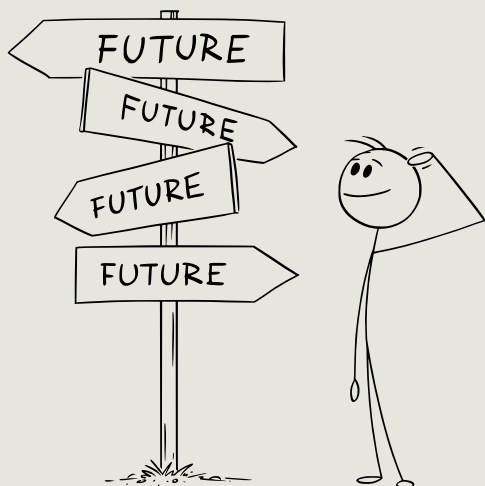
فردا همیشه جایی بوده که انگار همه‌چیز قراره توش بهتر بشه، اما هیچ‌وقت پیدا نیست چه طوری؟!

هرچی بزرگ‌تر می‌شیم، فردا هم جدی‌تر می‌شه. یعنی دیگه فقط یه روز بعد از امروز نیست؛ می‌شه آینده، انتخاب، مسیر. می‌شه همون چیزی که شبا قبل خواب بهش فکر می‌کنیم و صبحا باهاش بیدار می‌شیم. گاهی ازش هیجان‌زده‌ایم، گاهی هم ازش می‌ترسیم. چون فردا پُر از «نمی‌دونم» هاست...

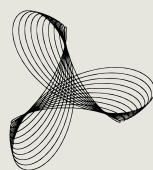


یادمه یه زمانی، فردا فقط این بود که فردا تعطیله؟ یا فردا امتحان داریم یا نه؟! اما حالا، فردا یعنی انتخاب رشته و شغل، اینکه قراره چی بشیم، کجا بریم، چه راهی رو ادامه بدیم. فردا یعنی تصمیمایی که شاید الان ساده به نظر بیان، ولی قراره سال‌ها همراهمون بمونن!



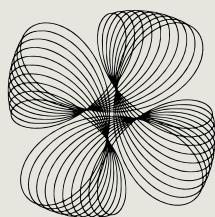


جالبه که هر قدر هم برنامه بریزیم، فردا همیشه یه چیزایی برای غافلگیر کردن مون داره! ممکنه چیزی که فکر می‌کردیم دوستش داریم، دیگه جذّاب نباشه، یا برعکس، یه مسیری که اصلاً حسابش نمی‌کردیم، بشه مهم‌ترین بخشِ زندگی‌مون!



برای همین که حس می‌کنم، فردا ثابت نیست... با ما رشد می‌کنه، عوض می‌شه و شکل می‌گیره!

بعضی وقتا فردا سنگینه، پُر از استرس، انتظار، فشار. مخصوصاً وقتی همه ازت می‌پرسن: «برنامه‌ت چیه؟»، «می‌خوای چی کار کنی؟» و تو هنوز جواب دقیق‌اش رو نداری. البته قطعاً اشکالی نداره که همه‌چیزو ندونیم یعنی قرار نیست که فردا از قبل، به‌طور کامل مشخص باشه!



فردا می‌تونه یه فرصت باشه؛ برای بهتر شدن، امتحان کردن، حتی اشتباه کردن و دوباره بلند شدن. مهم اینه که امروز رو جدّی بگیریم، چون فردا دقیقاً از دل امروز ساخته می‌شه. از انتخاب‌های کوچیک، از تلاش‌های روزمره، از ناامید نشدن.

آخرش، فردا یه وعده نیست که فقط باید منتظرش بمونیم؛ یه چیزیه که باید کم‌کم بسازیمش... با ترس‌هامون، امیدهامون و با همون آدمی که امروز هستیم!

پایان

